آتش پنهان

گم شده ام در شب یلدائی ات
در نفس سبز مسیحائی ات
محو تماشای نگاه توام
آه ازآن دیده دریائی ات
چشم غزال دل بیچاره ام
گم شده در ساغر مینائی ات
باز نشانده است دلم را به موج
شرجی چشمان اهورائی ات
آتش پنهان دلم شعله زد
برخم آن طره یلدائی ات

جانباز اسماعیل یکتایی - لنگرود

ای چشمه زلال حقیقت

برخیز ای شهید مطهر ،مطهری!
بی تو دگر چگونه بخوانیم
آیات آسمانی قرآن را؟

ای بهترین مفسر آیات!

درباغهای فلسفه اینک
دیگر چگونه راه راییابیم؟

□

ای راهنمای دانش و بینش
این جاهلان احمق مزدور را
ما با کدام الفبای دوستی
درکوچه مهر روان سازیم؟
آموزگار منطق و ایمان!
آنان که این گلوله سربی را
درباغ سبز مغز تو می کارند
با روشن کدام منطق
ایمان به این شقاوت عظما را
تفسیر می کنند ؟!
ای اوستاد فقه!
با ما بگوی مسئله این قصاص را...
آیادرست نیست
درپیشگاه مردم درسوگ مانده مان
چندین هزار راس از اینان را
سر برکنار مسلخ گذاشتن؟!
کاری جز این
قصاص خون تو.
خواهد بود ؟

□

ای آشنای -منبر و محراب!
وی شیر بیشه تحقیق!
منبر،
زداغ مرگ تو،می موید
محراب ،درعزای تو
می سوزد
پشت قلم شکسته از این فاجعه
ولی
یادت درون سینه ما
جاودانه است .

برای شهید آیت الله مرتضی مطهر
جواد محقق (م-آتش)

موزه سینمای ایران

موزه سینمای ایران ،یکی از جوان ترین موزه های کشور است که صد و اندی سال حضور سینما در ایران را به نامش می گذارد. آن هم در بنایی کهن که یادگاری است از روزگار قاجار .

۱۳۸۱ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان میراث فرهنگی (سابق)شهرداری تهران و بنیاد سینمایی فارابی در باغ فردوس شمیران گشایش یافت .

باغ فردوس از معدود باغ های قدیمی باقی مانده در شمیران است که عمارتی زیبا و چشم نواز را در دل خود جای داده است .

این عمارت به دوران سلطنت "محمد شاه قاجار "یعنی در فاصله سال های ۱۲۵۰ تا ۱۲٦٤ ه .ق ساخته شد و اکنون بالغ بر ۱٦۰ سال عمر دارد .

در دوران "ناصر الدین شاه" فرزند و جانشین محمد شاه زمین های بیشتری ضمیمه باغ فردوس شد و در اختیار "معیر الممالک"داماد ناصر الدین شاه قرار گرفت این باغ بعدها در زمره املاک دولتی در آمد ودر سال ۱۳۱٦ ه .ش به دستور "علی اصغر حکمت"وزیر فرهنگ وقت به "دبستان شاهپور" اختصاص یافت . بیست سال بعد یعنی در سال ۱۳۳٦ ه .ش باغ فردوس میان شهرداری تهران و آموزش وپرورش تقسیم شد و در این میان ساختمان مجلل آن به شهرداری رسید . در سال ۱۳٤۰ ه . ش بخش متعلق به شهرداری فروخته و به ستاد اداری جشن هنر شیراز داده شد .

با پیروزی انقلاب اسلامی نیز بنای تاریخی باغ فردوس ،مرکز آموزش اسلامی فیلم سازی را در خود جای داد و نهایتا در سال ۱۳۸۱ پذیرای یکی از زیباترین و جذاب ترین موزه های ایران گشت .

البته شکل گیری موزه سینما از سال ۱۳۷۳ و با گرد آوری اسناد ،نشانه ها ابزارها ویادگاری های سینمایی آغاز شد . آن زمان مرکز توسعه فضاها ی فرهنگی شهرداری تهران ساختمانی قدیمی را در خیابان لاله زار نو به موزه سینما اختصاص داد و این موزه در سال ۱۳۷۷ به طور موقت گشایش یافت .

شکل گیری چنین موزه ای که چهار سال بعد جایی بهتر و بزرگتر - یعنی باغ فردوس - کوچید؟،مرهون همدلی و همکاری بسیاری از دست اندر کاران و هنرمندان سینمای ایران بود که اسناد و یادگارهای خود را به موزه هدیه کردند و دایره این اهدا چنان گسترده بود که موزه سینما هیچ شی موزه ای را خریداری نکرد و تمام گنجینه خود را با لطف اهالی سینما به دست آورد .

آنچه اکنون در اختیار موزه سینمای ایران قرار دارد ،عبارت است از چهل هزار فیلمنامه ،۲ هزار و۵۰۰ اعلان سینمایی(از ۱۳۱۰ تا حال حاضر)هشت هزار جلد کتاب ،هزار عنوان فیلم وآنونس،پنج هزار جلد نشریه (که قدیمی ترین شان متعلق به سال ۱۳۰۹ ه .ش است)حدود ۳۰۰ دستگاه و ابزارقدیمی سینما توگراف (که قدیمی ترین آنها از سال ۱۳۰۹ است)و نمونه های تاریخی بسیاری از طراحی های لباس و دکور ،صحنه آرایی و چهره پردازی در سینمای ایران.

این اسناد و یادگارها در سه تالار آبی،سفید و افتخارات و جوایز سینمای ایران گرد آمدند و همراه با تالار دیگری به نام تالار "مقرلنی" که محل نمایش فیلم است فاز اول موزه سینمایی ایران را شکل می دهند .

تالار آبی تالار قدیمی ها و پیشکسوهاست مثلا قدیمی ترین سند مربوط به خرید دستگاه سینما توگراف با تاریخ ۱۲۷۹ ه .ش در این تالار نگهداری می شود و نیز نخستین تصاویر متحرک ایران که متعلق به سفر مظفر الدین شاه به فرنگ است با اعلان اولین فیلم های ایرانی مثل "دختر لر" و"آبی و رابی" و عکس هایی از پیشگامان سینما همچون ابراهیم خان عکاس باشی..

در اینجا عکس هایی از نخستین کارگردانان ایرانی مانند " عبدالحسین سپنتا" و کارگردان دختر لر و ابراهیم مرادی کارگردان فیلم بوالهوس به چشم می آید و ابزارهایی که آدمی را به نخستین سال ها و دهه های حضور سینما در ایران می برد : آپارات دستی متعلق به دهه ۱۳۱۰ اولین دوربین فیلمبرداری۱٦ میلی متری رنگی (متعلق به سال ۱۳۳۲) و یک ردیف از صندلی های تاشوی سینما پالاس که از دهه ۱۳۱۰ به جا مانده است .

تالار سفید تالار رژیستوره است با عکس و جوایز و لباس ها و یادگارهای آنان و از این روست که غرفه مستقلی در این تالار به بلند آوازه ترین هنر پیشه ایران یعنی "عزت الله انتظامی" اختصاص یافته و به دیگرانی که همچون او در سینمای ایران تاثیر گذار بوده اند : علی حاتمی و مرتضی آوینی.

درتالار افتخارات و جوایز سینمایی همچنان که از نامش بر می آید اگر نه همه غرور و افتخار سینمای ایران که دست کم بخشی از مهمترین شان به نمایش درآمده است . بر تارک این تالار " نخل طلایی " عباس کیارستمی در جشنواره فیلم کن به خاطرفیلم "طعم گیلاس" می درخشد و البته کیارستمی به عنوان پر افتخارترین کارگردان ایرانی ، غرفه ای مجزا در تالار افتخارات دارد .

علاوه بر این خانواده محسن مخملباف نیز دارای غرفه ای در این تالار هستند تا جوایزی جهانی متعدد شان را در معرض دید مخاطبان قرار دهند .

اما شاید همه این یادگار ها به اندازه فیلم ده دقیقه ای که از تاریخ سینمای ایران در " تالار مقرنس"به نمایش در می آیند گویا و پرهیجان نیستند خصوصا که تالار مقرنس با گچ بری های استادانه اش فضایی رویایی را پدید می آورد و بسا که بتوان آ ن را زیباترین سال نمایشی ایران خواند سالنی در خور شان سینمای ایران و اهالی اش‌موزه سینمای ایران که در خیابان ولیعصر ایستگاه باغ فردوس (پایین تر از تجریش)قراردارد ،روزهای شنبه،یکشنبه،سه شنبه،چهارشنبه و پنج شنبه از ساعت ۱۰ تا۱۷ و روزهای جمعه از ساعت ۱٤ تا۱۷ پذیرای علاقمندان است .

این موزه روزهای دوشنبه و در ایام سوگواری تعطیل است و از طریق شماره تلفن ٤-۲۲۷۱۹۰۰ می توان با آن تماس گرفت .

درتالار افتخارات و جوایز سینمایی همچنان که از نامش بر می آید اگر نه همه غرور و افتخار سینمای ایران که دست کم بخشی از مهمترین شان به نمایش درآمده است بر تارک این تالار " نخل طلایی " عباس کیارستمی در جشنواره فیلم کن به خاطرفیلم " طعم گیلاس " می درخشد

با هم بخوانیم

زین پس به جای ...

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «دوش حمام» بگویید: آب چرخ کن !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «دیسکت» بگویید: عشق تو جیبی!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «رشوه» بگویید: کارساز بیچارگان!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «سرمای بسیار سرد» بگویید: یخما!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «سیم خاردار» بگویید: دیوار تابستانی !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «شیشه» بگویید: اونورش پیدا !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانو س «صندلی سینما» بگویید: تا پاشی تاشه!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «عشق» بگویید: کار بیکاران !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «غیبت» بگویید: مشروح اخبار !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «فرزند» بگویید: دشمن خانگی!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «قایق» بگویید: کفتر !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «کارمند» بگویید: مصیبتی در کت و شلوار !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «کدو تنبل» بگویید: گلابی خانواده!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «کشتی» بگویید: تشخیص!)ته ش خیس.

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «کشمش» بگویید: انگور بازنشسته!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «کفش» بگویید: نفربر !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «گالش» بگویید: نفر بر پلاستیکی !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «گوشتکوب» بگویید: لهستان!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «لیسانس» بگویید: در به در !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «ماتیز» بگویید: پراید مونگول!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «ماشین» بگویید: مراکش!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «ماکیاول» بگویید: مردی برای تمام فصول!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «مجرد» بگویید: آنکه به ریش دنیا می خندد!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «مشق» بگویید: عملگی برای استاد !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «مگس» بگویید: پرویز !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «مگس کش» بگویید: پرویز صیاد!!

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «موی گربه» بگویید: موکت !

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «وب گرد» بگویید: عملی! (معتاد)

✓ زین پس به جای واژه غریب و نامانوس «وجدان» بگویید: شب بخیر کوچولو !!

وادی عشق

خوشا آنان که اندر وادی عشق
ره معشوق پیمودند و رفتند
خوشا آنان که هر شام و سحر گاه
خدا را خوش پرستیدند و رفتند
خوشا آنان که اندر خدمت خلق
سروجان را بخشیدند و رفتند
خوشا آنان که اندر بحر مواج
غریقی را رهانیدند و رفتند
خوشا آنان که اندر کشمکش ها
صلای صلح بگزیدند و رفتند
خوشا آنان که با مهر و محبت
نهال دوستی کشتند و رفتند
خوشا آنان که در روز جدایی
رضایی را دمی دیدند و رفتند

زنده یاد غلامحسین رضایی رنجبر

غایب حاضر

تماشایی ترین چشم ها مست تماشایت
دل دریایی من تک سوار موج دریایت
من ازآغاز مشتاق ظهور آفتابستم
دلم را بسته ام کنج ضریح آرزوهایت
تجسم می کنم روزی که باز آیی در این وادی
بروید یاس های دسته دسته جای پاهایت
تو پژواک صدای رحمت عشقی که می پیچد
میان خلوت من بازتاب سبز آوایت
کماندار سپاه نوری و سجاده نوش شب
مرا سیراب کن از اشکها و ربناهایت
شنیدم زندگی با نام تو زیبا و رویائیست
شقایق پیشه ام دلبسته پنهان و پیدایت
بیا ای سبز پوش سبز بین سبزپیما تا
بهاری گردد این هستی به یمن رد پاهایت .

علیرضا فتحیان

حکایت

روزهای پنج است،روز گمشده یا مفقود،روز کنون یا مشهود، روز آینده یا مورود،روز وعده یا موعود و روز پایدار یا ممدود.

اما روز گمشده دیروز تو است که با افراطی که در آن کرده ای از دست رفته . و روز کنون روزی است که تو درآنی ،و روزآینده روزی است که پیدا نیست از عمر تو محسوب افتد یا نه ،و روز وعده آخرین روز تو از روزهای دنیاست ،آن را همیشه پیش چشم خویش بدار .

اما روز پایدار آخرت تو است و آن روزی بی انتها است . از این رو غایت اهتمام خویش بدان متوجه کن چرا که آن روزت یا بهشتی جاودان است یا عذابی همیشگی.

بهشتی یک ملت بود و خار چشم دشمنان

بهشتی شخص نیست ،شخصیت است . شاخص و تراز است، تراز جبهه بزرگ اصولگرایی (تمام اصحاب انقلاب)در برابر جبهه ماتریالیسم و جریان سکولار-لیبرال-بهشتی تکلیفش با ولایت ،دیانت،عدالت،خدمتگزاری به مردم و استکبار روشن بود.

بهشتی گناه بزرگش این بود که قرآن می خواند وکلامش ،برجان می نشست .

صدایش با نفوذ دلنشینی هنوز در پژواک است، که آیات آغازین سوره عنکبوت را همان سوره ای که خداوند تدبیر و عمل دنیازدگان را به خانه سست عنکبوت تشبیه می کند می خواند. آری منطق قرآنی بهشتی ،منطق تعبد و صبر واستواری در برابر ابتلا و فتنه هایی بود که مومن را از منافق و صادق را از دروغ مسلک، باز می شناساند ...

حال بهشتی با قرآن یکی شده بود ،سنگ محک شده بود برای محک زدن زر ناب از طلای قلابی .

آینه خوب و بد شده بود آینه راباید می شکستند غافل از آن که هزار تکه می شود و بیشتر می نمایاند .

خواستند انتقام بگیرند اما بهشتی و خطی که او به پیروی از حضرت امام خمینی در صدد تبیین و تحکیمش بود شفافتر و ماندگار تر شد،او وسیله ای بود برای نمایان کردن جریان سیال وناپیدای نقاق ،آن راست قامت که به تنهایی یک امت بود برای ملت ما همچنان که گفته بود آن امام جاوید و بزرگ تاریخ انقلاب اگر چه مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان شد، در این ۲۷ سالی که از شهادت آن رادمرد بزرگ بهشتی می گذرد ، دشمنان همواره در حال انتقام گرفتن از این سید و اولاد پیامبر بوده اند و در هر مقطعی به بهانه ای یک روز در ماجرایی ازطریق ایجاد قطب بندی بین اصحاب انقلاب ، روزی با تقابل سطحی چپ و راست و روزی تحت عنوان اصلاح طلب و اصولگرا،و... و امروز با تقسیم بندی معتدل و افراطی دموکرات و اقتدار گرا تاکی باید از میان نیروهای انقلاب یارگیری یا در آنها نفوذ کنند و به بدگمانی و نزاع دامن بزنند و فرصت هارا بسوزانند و در خلوت پوزخند بزنند ؟ !

اما شاید جرم بزرگ او ایمانش بود . بهشتی مومن تیز بین وزیرک و هیچگاه فریب نمی خورد نه می شداورا خاموش کرد و نه در او رخنه جست و از وی پلی برای نفوذ و انحراف و انحطاط نظام ساخت و نه اهل سازش و معامله بود .

جریان انقلاب در برابر تند بادحوادث به سلامت با رهبری حضرت امام و فرزندش خامنه ای عبور کرده ومقتدرتر از همیشه ایستاده است آن قدر مقتدر که مطبوعات کینه توز در آمریکا و اروپا شهادت می دهند ایران قدرت خاورمیانه است یاد دکتر شهید بهشتی و ۷۲ تن از یارانش گرامی باد .

به امید روزی که راه و روش آن سید بزرگوار ادامه دهنده انقلاب واسلام باشیم.

عبدالحسین اسد پور

خواستگاری عهد عتیق

◄ پسرم برای همسرش ۲ هزار سکه و یک واحد آپارتمان بعنوان تضمین مهریه تعیین کرده که درصورت توافق کلی چنانچه موضوع به ازدواج انجامید شما نیز بایستی ۲هزار سکه و یک باب آپارتمان بعنوان تضمین مهریه دختر نمائید .

این درد را به کی باید گفت ؟!

آقای فراز با سلام من و خواهرم که دانشجوی پزشکی است همواره مطالب درج شده شمار ا در روزنامه های دریا وصبح ساحل می خوانیم و آنجا که بایداز رهنمودهای شما بهره بگیریم ، می گیریم اما ... آقای فراز به سفارش مادر وخواهرم (البته پدر ندارم چندی قبل فوت کرد)به خواستگاری دختر خانمی از یک خانواده نجیب و شرافتمند و زحمتکش شهرمان به وساطت یکی از دوستان پدر مرحوم رفتیم .

سبد گلی بردیم و سلام و علیک و احوالپرسی و... پذیرائی مختصری شدیم وباب گفتگو آغاز شد . پدر دختر (دختردانشجوی سال اول یکی از دانشکده ها است) فرمودند اختیار باخود دختر است و من و مادرش راهنما . منم عرض کردم پنجاه سال پیش نیست که از پشت پرده بله گفته شود بدون هیچگونه شناخت و بررسی همه جانبه از نظر اخلاق ، عقیده و مسائل اجتماعی و..... پس ازاین چند جمله مجددا پدر دختر خانم فرمودند پسرم برای همسرش ۲ هزار سکه و یک واحد آپارتمان بعنوان تضمین مهریه تعیین کرده که درصورت توافق کلی چنانچه موضوع به ازدواج انجامید شما نیز بایستی ۲هزار سکه و یک باب آپارتمان بعنوان تضمین مهریه دخترم نمائید .

خواهرم گفت : البته اول طرفین بایستی نسبت به شناخت یکدیگر پی برده و در چند نشست و رفت وآمد چنانچه به توافق رسیدند بر سر مهریه و آپارتمان مورد تضمین بحث خواهد شد .

این جملات توسط خواهرم گفته شد و زحمت کم کرده و مرخص شدیم .

آقای فراز بمدت ۱۵ بار هر بار حدود حداکثر یک ساعت با دختر خانم ضمن گفتگوی همه جانبه و خوردن شام به توافق کلی رسیدیم واین را هم ناگفته نگذارم که من و دخترخانم به واقع به یکدیگر علاقمند شدیم ومراسم جشن نامزدی را موکول به پایان امتحانات ایشان روز هفتم تیرماه به بعد گذاشتیم .

آقای فراز دیشب دختر تلفنی بابغض بمن گفت: پدرم گفته ایشان (یعنی من باید۲۵۰۰ سکه ویک آپارتمان بعنوان تضمین مهریه کنم) که بالای دست پسرم بزند در غیر اینصورت نامزدی و عقد و ازدواج مطلقا وجود نخواهد داشت .

خدا راگواه می گیرم که پس از شنیدن این خبر از دهان دختر حالت سکته بمن دست داد چنان دچار سرگشتگی و پریشان حالی شدم که نمی دانم چه باید بکنم جز اینکه به یک مسکن پناه ببرم تا مغزم از این آشفته حالی شاید خلاصی یابد.

قیمت هر سکه به نرخ همین امشب که با شما صحبت می کنم ۱۷۵ هزار تومان است که جمعا می شود چهارصدو سی وهفت میلیون و پانصد هزار تومان ، یك باب آپارتمان ۷۰ متری هم می شود ۷۰ میلیون تومان حساب کنید می شود ۵۰۷۵۰۰ میلیون تومان از کجا و برای چه ؟

شما که همواره توصیه به امر مقدس ازدواج و به جا آوردن سنت اسلامی می کنید ، شما که کرارا می نویسید جوانها ازدواج کنند تا از انحرافات اخلاقی و اجتماعی درامان باشند و.....

دختر و پسری که بهم علاقمند شده اند و قصد ازدواج دارند با این شرط پدر دختران چه باید بکنند۲۵۰۰ سکه و یک آپارتمان ! !

قیمت هر سکه به نرخ همین امشب که با شما صحبت می کنم ۱۷۵ هزار تومان است که جمعا می شود چهارصدو سی وهفت میلیون و پانصد هزار تومان ، یک باب آپارتمان ۷۰ متری هم می شود ۷۰ میلیون تومان حساب کنید می شود ۵۰۷۵۰۰ میلیون تومان از کجا و برای چه ؟

آیا عهد بربریت و برده داری است که دختر را بفروشند؟ مهریه یک دین عندالمطالبه است و زن هر زمان می تواند مهریه اش را اجرا بگذارد و قانون نهم طبق ماده ٦۹٦ را رو در روی فرد می گذارد و روانه زندانش می کند .

آیا با این وضع ما جوانها که حداقل ده، پانزده میلیون در این کشور به سن و سال جوانی رسیده ایم و یا به اقتضای طبیعت جسمی و روحی و وظیفه اجتماعی مقید به ازدواج و دور از هرگونه انحرافات اخلاقی هستیم با این وضع چگونه و چطور باید ازدواج کنیم ؟

آقای فراز آیا این دهها و صدها هزارپسر منحرف اخلاقی و دختران فراری نتیجه این خرید وفروش و حرص و آز والدین این قبیل دختران نیستند؟ شما هیچ می دانید اکثریت جوانان معتاد به انواع مواد مخدر از همین مسائل عنوان شده از سوی پدران دختران بوده وسر ازجهنم اعتیاد و انواع انحرافات اخلاقی درآورده اند؟

آقای فراز این درد را به شما گفتم تا بنویسید پدران و مادران چرا برای ازدواج و تشکیل عائله و سرو سامان گرفتن فرزندانشان این سدهای بزرگ را برای چه پیش پای جوانان این مرزو بوم می گذارند آیا حرص ، آز و طمع سیری ناپذیر ی شما عامل فرار دختران و انحراف پسران نخواهد بود ؟

شمارا بخدا دست از این بازار خریدوفروش بردارند و کاری نکنند که فردا مراسم سوگواری دختر فراری و پسر معتاد خودرا برگزار کنند .

شما را به خدا این درد بزرگ رابنویسید تازعمای قوم این مملکت بدانند عامل اصلی فرار و اعتیاد از کجا سرچشمه می گیرد تا شاید در پی جبران آن باشند .

ف،ج

دوست نادیده و نا شناس درد کشیده آقای ف ، ج همانطوریکه جمله به جمله مطالب خود را تلفنی گفتید من بر روی کاغذآوردم و برای چاپ به روزنامه می دهم و اما می خواهم به حضورتان عرض کنم شاید این سد بزرگ و این سنگ بلند ناکردنی را تعمدا والدین دختر جلوی پای شما گذارده باشند و شاید بعد از علاقمندی دختر به شما و شما به او موضوعی پیش آمده که این مهریه باور نکردنی و تضمین به شما اعلام شده است و گرنه من در باورم نمی گنجد آیا این پدر دختر خانم که چنان مهریه ای را پیشنهاد کرده و از طرفی شایداین مردخود یکی از بزرگ ثروتمندان کشورمان شرکتهای منظم نفتی جهان است.

و شاید متقابلا ایشان با قبول پیشنهاد شما جهیزیه دختر شان در جزیره عقرب سیسیل است که از مرحوم کنستانتین شوهر بیوه کندی خریداری نموده و می خواهند به شما بعنوان هدیه ازدواج دخترشان تقدیم کنند .

بهر جهت منهم چون شما دچار سر سام و آشفته حالی شده ام و از این خریدوفروش دچار هذیان . امیدوارم که این قبیل پدران کمی سرعقل آمده و فکر کنند سرنوشت فرزندان خود را به جهنم اعتیاد و فرار روانه نسازند .

فراز

بیایید زندگی سبز
و شاداب را با مصرف آبزیان به ارمغان ببرید
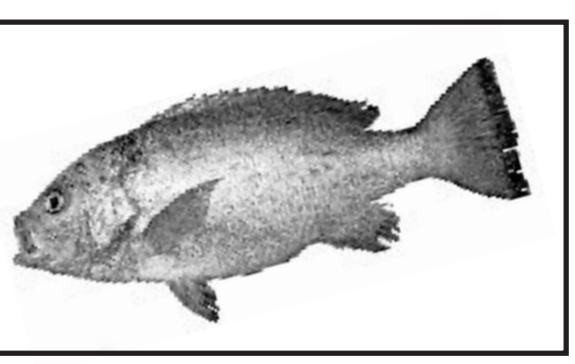
روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان